



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

تحلیل نقش تفاوت‌های مکانی - فضایی در احساس نشاط شهروندان اهواز

صفیه دامن باغ^۱ (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده مسئول)

safiyeh_damanbagh@yahoo.com

ناهید سجادیان (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

nsajadian@yahoo.com

مرتضی نعمتی (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

nematigeo@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

صص ۲۰۵-۲۲۴

DOI: 10.22067/JGUSD.2021.67749.1000

مقاله پژوهشی

چکیده

شهر اهواز با چالش‌های محیطی و تفاوت‌های مکانی - فضایی (نابرابری فضاهای نشاط‌آفرین) اثرگذاری در وضعیت نشاط شهروندان روبروست. تفاوت‌های مکانی و احساس نشاط شهروندان از مهمترین متغیرهای مورد بررسی این پژوهش هستند. برنامه‌ریزی عدالت محور و کاهش نابرابری‌های مکانی و فضایی در برخورداری از فضاهای نشاط‌آفرین مهم‌ترین پیشنهاد این پژوهش است. پژوهش حاضر نظری-کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" است. جامعه آماری شامل شهروندان اهواز (اعم از زن و مرد) در محدوده سنی ۱۵ سال به بالا است که برابر با ۸۸۷۲۸۰ نفر از کل جمعیت شهر اهواز است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر و روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده و پرسش‌نامه‌ها در شش محله منتخب تکمیل گردید. تحلیل داده‌ها با روش‌های آماری از جمله میانگین پاسخ‌ها، رگرسیون خطی، آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس یک راهه و نرم افزار ArcGIS انجام شده است. بر اساس نتایج، سطح نشاط شهروندان اهوازی، پایین‌تر از حد میانگین و مطلوب است. میان دو گروه زنان و مردان شهر اهواز از نظر سطح نشاط تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین گروه‌های سنی از نظر سطح نشاط تفاوت معنادار وجود دارد. تفاوت سطوح مکانی در تفاوت سطح نشاط شهروندان در محله‌های مختلف شهر اهواز نقش دارد و سطح نشاط شهروندان از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر متغیر و سیر نزولی دارد. در واقع تفاوت‌ها و نابرابری‌های فضایی و مکانی منجر به نابرابری سطح نشاط در بین شهروندان می‌شود و توزیع نشاط در بین شهروندان بر اساس تفاوت‌های مکانی دارای یک الگوی عادلانه نیست.

کلیدواژه‌ها: تفاوت فضایی - مکانی، جغرافیای رفتاری، شهر اهواز، محیط شهری، نشاط.

۱. مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری صفیه دامن باغ دانشجوی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد.

۱. مقدمه

در اواخر قرن بیستم بحث نشاط شهروندان در محیط‌های شهری به عنوان یکی از موضوعات مهم مورد بررسی قرار گرفت، زیرا یکی از مشکلات جوامع، غفلت از شادی و نشاط و در نتیجه، افزایش بیماری‌های روانی از قبیل اضطراب و افسردگی بوده است (فاضلیان و عظیمی، ۱۳۹۳، ص. ۴۲). براساس تعاریف مختلف ارائه شده، نشاط^۱ به طور کلی، حداقل از سه جزء تشکیل شده است: وجود هیجانات مثبت، نبود هیجانات منفی و رضایت‌مندی (مایرز^۲، ۲۰۱۰، ص. ۵۷؛ لوردس^۳ و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۲۰۹؛ هال^۴ و هیلی^۵، ۲۰۱۴، ص. ۳). بنابراین، بر اساس مجموعه تعاریف اندیشمندان و مؤلفه‌های مورد نظر آن‌ها می‌توان نشاط را ارزیابی افراد از کلیت زندگی و بخش‌های متعدد آن (وینهوون^۶، ۲۰۰۰، ص. ۳۴)، بروز عواطف خوشایند (خوشحالی، امیدواری، و...) و ظهور علائق مثبت اجتماعی (احساس دوست داشتن، اعتماد، امنیت و...) در افراد است که مجموع این مؤلفه‌ها در یک محیط شهری، موجبات خلق شهری بانشاط را فراهم می‌کند.

چارچوب نظری تحقیق حاضر ترکیبی از رویکردهای مختلف نشاط است. نظریه امید یکی از زمینه‌های اصلی در به وجود آمدن احساس نشاط، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده می‌داند (رحیمی و رستمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۹). براساس نظریه محرومیت نسبی انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنش‌های شدید عاطفی (مانند خودکشی و...) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به درجه بالای خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (نبوی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۴). کروسبی^۷ بیان می‌کند که وضعیت نابرابر حاکم بر اجتماع می‌تواند به احساس محرومیت نسبی بینجامد. محرومیت نسبی نتیجه مقایسه افراد با دیگر اعضای اجتماع خصوصاً همسالان و خانواده‌های آنان است (برنبرگ^۸ و همکاران، ۲۰۰۹، ص. ۱۲۲۷) که احتمالاً رفتارها و عواطف مخربی را ایجاد می‌کند که ناخوشایند هستند و از احساس بهزیستی، خوشبختی و نشاط فرد می‌کاهد (وایت^۹ و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۳۸).

نظریه روان‌شناسی محیطی^{۱۰} تأثیر عوامل بیرونی یعنی محیط طبیعی (جغرافیا) و محیط فیزیکی یا تکنولوژی (معماری) و یا به عبارت دیگر خصوصیات فضایی- فیزیکی، بر احساس و رفتار انسان را مورد مطالعه قرار

-
1. Happiness
 2. Meyers
 3. Lourdes
 4. Hall
 5. Helliwell
 6. Veenhoven
 7. Crosby
 8. Bernburg
 9. White
 10. Environmental Psychology

می‌دهد (کیانی و نصیری، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۰). جرمی بنتهام^۱، فقدان نشاط را با متغیرهای اقتصادی (توزیع ثروت و درآمد) تبیین می‌کند و وجود افسردگی عمومی در سطح جامعه را به عواملی چون؛ عدم اشتغال و بیکاری، نبود درآمد مناسب، رفاه عمومی پایین، بی‌عدالتی اقتصادی و نظایر آن نسبت داد (قرائی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۴). ویلکینسون^۲ (۱۹۹۷) نیز استدلال کرده است که نابرابری درآمد در مناطق کوچک (مانند خیابان‌ها، بخش‌ها و یا حتی شهرهای کوچک) بازتابی از جدایی‌گزینی سکونتگاه‌ها از نظر فقیر و غنی است (بالاس^۳ و دورلین^۴، ۲۰۱۳، ص. ۴۷۲).

نشاط در جغرافیا در حیطه جغرافیای رفتاری که محصول ورود اندیشه‌های روان‌شناسی به حیطه مباحث جغرافیایی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چرا که در مورد اهمیت ادراک، خلاقیت، تفکر و عقاید مردم که در فرموله کردن دیدگاه‌های آن‌ها نسبت به محیط و در نتیجه در نحوه‌ی روابطشان با محیط تأثیر می‌گذارد، تأکید دارد (پوراحمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۷). جغرافیای رفتاری به مطالعه احساس و ادراک انسانی از مکان و محیط می‌پردازد (احمدی، ۱۳۹۵، ص. ۴۳). بنابراین در تحلیل رفتارگرایی در جغرافیای شهری، تأثیر محیط شهری در رفتار و فعالیت گروه‌های مختلف شهری، شیوه‌هایی که در آن مردم ادراک و سپس واکنش مطلوب نشان می‌دهند و در نهایت در محیطشان تأثیر می‌گذارند به بررسی می‌پردازد. در واقع در این دیدگاه جغرافیایی، تأکید و گفت‌وگو میان صورت ذهنی، جامعه و فضا مورد توجه می‌باشد (شکوئی، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۱). ادراک یک فرآیند آگاهی است که در نتیجه اطلاعات دریافت شده از دنیای واقعی (محیط طبیعی یا انسانی) بوسیله دریافت‌کننده‌های ادراکی در ذهن فرد ضبط می‌شود و نهایتاً موجب بروز رفتار فرد بصورت واقعه‌ای قابل مشاهده در محیط رفتاری و محیط واقعی را فراهم می‌آورد (بهنروز، ۱۳۷۰، ص. ۴۱).

مطابق با بسیاری از ادبیات، شهرنشینی با نشاط و رفاه ذهنی رابطه منفی دارد؛ با این حال، تأثیر شهرنشینی بسته به حوزه‌های مختلف شادی و نشاط متغیر است (برنینی^۵ و تمپیری^۶، ۲۰۱۷، ص. ۱). از نظر چارلز مونتگومری^۷ از هم‌گسیختگی اجتماعی می‌تواند بزرگ‌ترین خطر زندگی شهری باشد یعنی بدتر از سروصدا، آلودگی هوا یا حتی ترافیک، هرچه که ارتباط افراد با خانواده و اجتماع بیشتر باشد، کمتر دچار حمله قلبی، افسردگی و... می‌شوند (مونتگومری، ۱۳۹۶، ص. ۲۸). ویرث^۸ معتقد است که زندگی شهری به نتایج منفی از لحاظ شناختی مثل احساس بیگانگی، به لحاظ رفتاری مانند رفتارهای انحرافی و از نظر ساختاری مانند شکل‌گیری بی‌نظمی و اختلالات در شهرها که همه‌ی این‌ها با عث ایجاد ناراحتی و احساسات ناخوشایند برای شهروندان می‌شود (اوکولچ-کوزارین^۹

1. Jeremy Bentham
2. Wilkinson
3. Ballas
4. Dorling
5. Bernini
6. Tampieri
7. Chares Montgomery
8. Wirth
9. Okulicz-Kozaryn

و مازلیس^۱، ۲۰۱۶، ص. ۳). زیمل^۲ نیز در نظریه دل‌زدگی^۳ خود به برخی از بیمارگونگی‌های شهری مانند حالت ملال‌آور و ضعف اعصاب، حساسیت بیش از حد و احتمالاً دل‌زدگی و بی‌تفاوتی اشاره می‌کند و فردیت را به عنوان یکی از مشخصه‌های مدرنیته قلمداد کرده است و شادمانی و نشاط را با آن پیوسته می‌داند (نایی و حاج‌هاشمی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۲).

امروزه، پدیده شهری شدن رو به گسترش بوده و این روند تحولاتی را در جنبه‌های مختلف اقتصادی، مسکن، سلامت و غیره زندگی انسان ایجاد کرده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۲۴). بنابراین مسئله‌ی مهمی که باید به آن توجه داشت این است که انسان معاصر در محیط‌های شهری با خلأهایی روبرو شده است، موج فزایندهٔ افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، بیکاری، گرایش به مصرف مواد مخدر (نظریان، ۱۳۸۰، ص. ۱۵)، نبودن تفریحات سالم در شهر و بسیاری از مشکلات روانی-اجتماعی دیگر، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که نشان می‌دهند نشاط در حال رخت بستن از محیط‌های شهری است (افشانی، ۱۳۹۴، ص. ۳). بنابراین یکی از مسائل مهمی که به طور مداوم باید در جست و جوی آن بود، سطح نشاط شهروندان در محیط‌های شهری است (میچل^۴ و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۱).

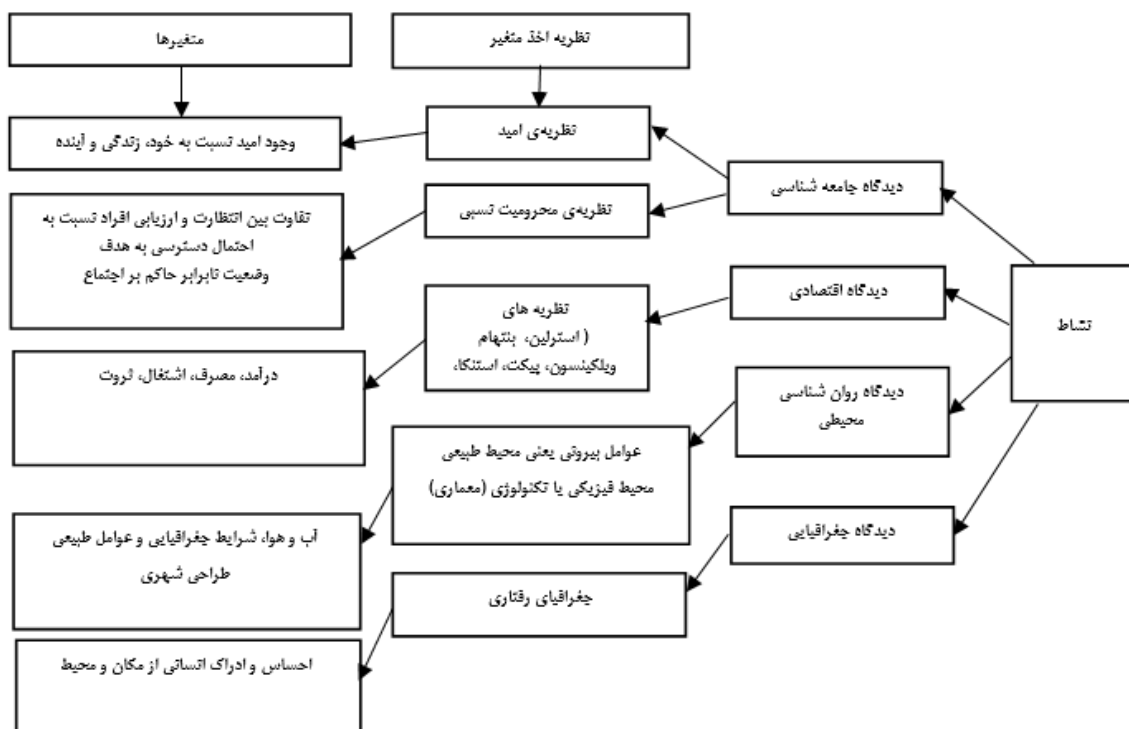
براساس آمارهای جهانی و برخی مطالعات انجام شده در کشور، مردم ایران، بانشاط و خرسند نیستند و از نبود بسترها و زمینه‌های لازم برای ابراز شادمانی به شکل عمومی رنج می‌برند. براساس گزارش نشاط سازمان ملل متحد (۲۰۱۸)^۵ که داده‌های آن طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ از ۱۵۷ کشور جهان جمع‌آوری شده است، نمره نشاط در ایران با ۴/۷ در رتبه ۱۱۰۶م قرار دارد (هلیول و همکاران^۶، ۲۰۱۸). با تأمل در شرایط کنونی شهرهای ایران و از جمله شهر اهواز، این نکته احساس می‌شود که عوامل برهم زننده تعادل، آرامش و سلامت شهروندان، افزایش و پیچیدگی خاصی یافته است.

مسائل و مشکلات شهر اهواز از جمله گسترش محله‌های حاشیه نشین، میزان بالایی از نرخ جرم، بافت ناهمگن جمعیتی، قومیت‌های متعدد و بروز چالش‌های قومی، شرایط خاص آب و هوایی (ریزگردها) و بحران‌های طبیعی (سیل) از دلایل طرح مسئله نشاط شهروندان شهر اهواز است. مهم‌ترین سؤالی که در این پژوهش مطرح است شامل: ۱- تلقی شهروندان اهوازی از نشاط محیط زندگی خود در چه سطحی است؟ ۲- وضعیت و توزیع نشاط در بین گروه‌های مختلف زنان و مردان و رده‌های سنی مختلف در شهر اهواز چگونه است؟ ۳- وضعیت و توزیع فضایی نشاط در سطح محلات منتخب شهر اهواز چگونه است؟

1. Mazelis
2. Simmel
3. Blasé Outlook
4. Mitchell
5. World Happiness Report
6. Helliwell

۲. متدولوژی

پژوهش حاضر کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" است. در بخش توصیفی متغیرهای کلیدی و تبیین‌کننده‌ی نشاط از منابع و پیشینه‌ی مربوط به موضوع استخراج و گردآوری گردید (شکل ۱). با توجه به اینکه موضوع نشاط در حیطه جغرافیای رفتاری است، ابزار اصلی دستیابی به اطلاعات استفاده از پرسشنامه است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد ۲۹ گویه‌ای شادکامی آکسفورد^۱ است.^۲

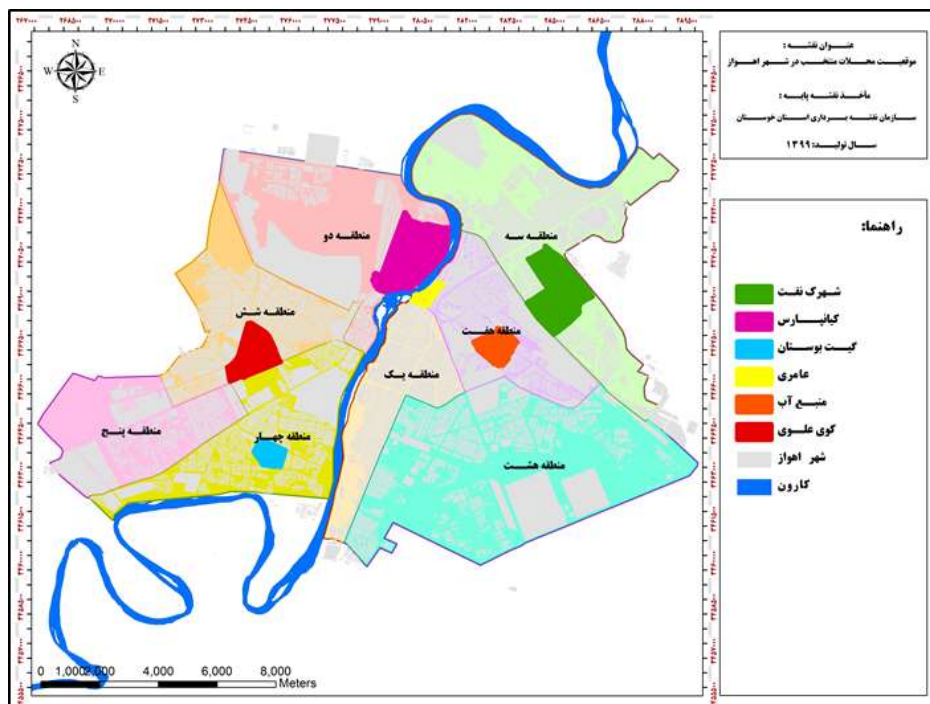


شکل ۱. مدل نظری متغیرهای پژوهش

قلمرو جغرافیایی این پژوهش شهر اهواز است و جامعه آماری شامل شهروندان (۱۵ سال به بالا) است که برابر با ۸۷۲۸۰ نفر از کل جمعیت شهر اهواز است. برای سهولت سنجش در نهایت شش محله از شهر اهواز به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب و جمعیت آن‌ها به عنوان جامعه هدف پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت (شکل ۲).

1. Oxford Happiness Inventory

۲. این پرسشنامه را آرگایل و لو در سال ۱۹۸۹ میلادی تهیه کردند و ضریب آلفای ۰/۹۰ را با ۱۳۴۷ آزمودنی به دست آوردند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های متعدد مورد تأیید و توانایی سنجش نشاط را بر اساس مؤلفه‌های آن در ایران را داراست.



شکل ۲. موقعیت محلات مورد مطالعه در شهر اهواز

حجم نمونه متناسب با جامعه آماری و براساس فرمول کوکران^۱، تعداد ۳۸۵ پرسشنامه برآورد گردید که تعداد پرسشنامه‌ها به نسبت حجم جمعیت محلات منتخب محاسبه شد. روش نمونه‌گیری تخصیص نسبی (طبقه‌ای) است. در جدول (۲) مشخصات محله‌ها، تعداد نمونه‌ها و پرسشنامه‌های تکمیل شده در هر محله نشان داده شده است.

جدول ۲. مشخصات و تعداد نمونه در محلات منتخب

محل	منطقه	جمعیت	مساحت (هکتار)	سطح	تعداد نمونه
شهرک نفت	۳	۶۴۲۹	۴۹۸	یک	۳۰
کیانپارس	۲	۴۶۷۶۲	۴۰۷	یک	۱۱۵
گیت بوستان	۴	۷۱۳	۷۲	دو	۲۰
عامری	۷	۴۴۹۴	۳۷	دو	۲۵
منبع آب	۷	۲۷۹۹۱	۱۱۷	سه	۷۰
کوی علوی	۶	۴۷۹۷۸	۷۰۳	سه	۱۲۵

مأخذ: (معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری اهواز، ۱۳۹۶ و یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

1. Cochran Formula

جهت تحلیل داده‌ها در محیط نرم افزار SPSS از روش‌های آماری از جمله میانگین پاسخ‌ها^۱، رگرسیون خطی^۲، آزمون تی مستقل^۳ و تحلیل واریانس یک راهه^۴ و نرم افزار ArcGIS و Excel نیز بهره‌گرفته شده است.

۳. یافته‌ها

این مرحله از پژوهش به ارزیابی وضعیت نشاط شهروندان شهر اهواز پرداخته است. به منظور دستیابی به میزان نشاط شهروندان از روش آماری میانگین پاسخ‌ها استفاده شده است. با توجه اینکه در جریان گردآوری داده‌ها از طیف پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده و رتبه ۱ (امتیاز پایین) تا ۵ (امتیاز بالا) به پاسخ‌ها اختصاص داده شده است، عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ‌ها است. همان طور که در جدول (۳) نشان داده شده است، شهروندان اهوازی سطح نشاط خود نسبت به همه مؤلفه‌های نشاط را پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۳. میانگین پاسخ‌های مرتبط با مؤلفه‌های نشاط از نگاه شهروندان اهواز

انحراف از خطای میانگین	انحراف از معیار	میانگین	گویه‌ها
۰/۰۸۷	۱/۷۲۳	۲/۷۱۶	۱- احساس شادابی و نشاط می‌کنم
۰/۰۵۵	۱/۰۹۶	۲/۵۸۴	۲- نسبت به آینده خوشبین هستم
۰/۰۶۰۰	۱/۱۷۸	۲/۳۶۶	۳- احساس می‌کنم زندگی سرشار از امید پیش رو دارم
۰/۰۵۴	۱/۰۶۳	۲/۲۸۵	۴- از همه جنبه‌های زندگی‌ام کاملاً راضی هستم
۰/۰۵۷	۱/۱۳۱	۲/۳۰۳	۵- احساس می‌کنم زندگی‌ام بی‌نهایت رضایت بخش است
۰/۰۵۵	۱/۰۹۵	۲/۱۵۵	۶- احساس می‌کنم بر تمام جنبه‌های زندگی‌ام کنترل دارم
۰/۰۵۷	۱/۱۱۹	۲/۴۵۱	۷- از آنچه هستم شدیداً احساس رضایت می‌کنم
۰/۲۰۳	۱/۰۰۲	۲/۷۲۴	۸- من عاشق زندگی‌ام هستم
۰/۰۶۴	۱/۲۶۰	۲/۴۸۸	۹- به مردم و اطرافیانم علاقه دارم
۰/۰۶۱	۱/۲۰۲	۲/۴۴۶	۱۰- به راحتی می‌توانم هر تصمیمی بگیرم
۰/۰۵۲	۱/۰۳۴	۲/۳۴۲	۱۱- احساس می‌کنم می‌توانم هر کاری را به عهده بگیرم
۰/۰۵۷	۱/۱۲۵	۲/۱۷۹	۱۲- خواب و استراحت کافی و مناسبی دارم
۰/۰۶۰	۱/۱۸۶	۲/۲۹۸	۱۳- احساس می‌کنم سرشار از نیرو و توانایی هستم
۰/۰۵۷	۱/۱۳۱	۲/۲۰۷	۱۴- دنیا برایم زیبا و قشنگ جلوه می‌کند
۰/۰۶۴	۱/۲۶۲	۲/۳۵۵	۱۵- احساس می‌کنم از لحاظ ذهنی کاملاً هوشیارم
۰/۰۶۴	۱/۲۶۷	۲/۳۴۵	۱۶- احساس سلامتی و تندرستی می‌کنم

1. Means
2. Regression Linear
3. Independent-Sample T Test
4. One-Way ANOVA

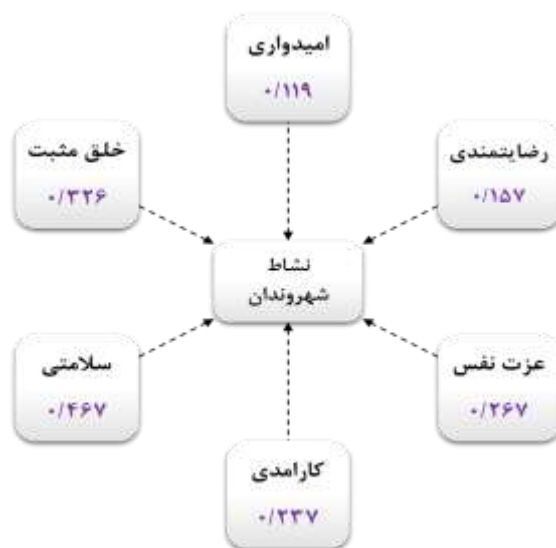
گویه‌ها	میانگین	انحراف از معیار	انحراف از خطای میانگین
۱۷- نسبت به دیگران احساس صمیمیت و به آن‌ها عشق می‌ورزم	۲/۳۷۴	۱/۱۸۸	۰/۰۶۰
۱۸- بیشتر خاطره‌های گذشته من خوش هستند	۲/۲۰۵	۱/۱۵۱	۰/۰۵۸
۱۹- همیشه دارای شور و شوق هستم	۲/۳۵۵	۱/۳۰۷	۰/۰۶۶
۲۰- می‌توانم وقتم را برای هر کاری که می‌خواهم، اختصاص بدهم	۲/۳۴۸	۱/۱۱۴	۰/۰۵۶
۲۱- از بودن با دیگران لذت می‌برم	۲/۴۷۰	۱/۱۹۲	۰/۰۶۰
۲۲- بر دیگران اثر خوبی می‌گذارم	۲/۴۰۲	۱/۱۷۱	۰/۰۵۹
۲۳- زندگی‌ام پر از معنا و هدف است	۲/۴۷۷	۱/۱۲۰	۰/۰۵۷
۲۴- من همیشه احساس تعهد و فعالیت می‌کنم	۲/۵۰۶	۱/۲۴۶	۰/۰۶۴
۲۵- همه چیزهایی که می‌خواستم، انجام داده‌ام	۲/۳۴۰	۱/۱۰۶	۰/۰۵۶
۲۶- فکر می‌کنم دنیا جای عالی است	۲/۴۹۳	۱/۱۳۹	۰/۰۵۸
۲۷- همیشه در حال خوشحالی و خندیدن هستم	۲/۳۵۵	۱/۰۵۳	۰/۰۵۳
۲۸- جذاب هستم	۲/۴۱۸	۱/۰۳۷	۰/۰۵۲
۲۹- به نظر من همه چیزها جالب هستند	۲/۴۴۹	۱/۱۲۶	۰/۰۵۷

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

مؤلفه‌های مطرح شده در جدول (۳) به عوامل ششگانه با عنوان "امیدواری، رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس" نام‌گذاری شده‌اند. که با استفاده از مدل برازش رگرسیونی در محیط نرم افزار SPSS میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل برای مشخص شدن درجه تأثیر و رابطه این مؤلفه‌ها با سطح نشاط شهروندان در شهر اهواز مورد ارزیابی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که مؤلفه‌های شش‌گانه اصلی به عنوان متغیر مستقل، و شاخص‌های تلفیقی که مجموع کل مؤلفه‌های نشاط شهروندان می‌باشد به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. نتایج حاصله حکایت از آن دارد که تمامی مؤلفه‌های شش‌گانه معنی‌دار بوده و همگی در نشاط شهروندان تأثیر خواهند داشت! نتایج نشان می‌دهد که هر یک واحد تغییر در انحراف معیار به میزان ۰/۱۱۹ واحد در مؤلفه‌ی امیدواری، ۰/۱۵۷ در مؤلفه‌ی رضایتمندی، ۰/۳۲۶ در مؤلفه‌ی خلق مثبت، ۰/۴۶۷ در مؤلفه‌ی سلامتی، ۰/۲۳۷ در مؤلفه‌ی کارآمدی و ۰/۲۶۷ در مؤلفه‌ی عزت نفس در نشاط شهروندان شهر اهواز تغییر ایجاد می‌کند (مطابق شکل ۴). این در حالی است که همه مؤلفه‌ها معنی‌دار بوده و در نشاط شهروندان شهر اهواز تأثیرگذار خواهند بود. همان‌طور که در شکل (۳) نشان داده شده است، مؤلفه‌ی سلامتی (سلامتی جسمانی و روحی) بیشترین میزان اثرگذاری را از نظر شهروندان به خود اختصاص داده است. چرا که مؤلفه‌ی سلامتی به عنوان یکی از عوامل اصلی و تعیین کننده احساس شادکامی و نشاط به ذهن می‌آید.

۱. لازم به ذکر است که با توجه به زیاد بودن حجم و تعداد جدول‌ها از آوردن جدول‌های مربوط به نتایج رگرسیون صرف نظر شده است و نتایج کلی به صورت شکل نشان داده شده است.

داشتن احساس امیدواری نیز کمترین میزان اثرگذاری در نشاط شهروندان را داشته است که این امر نشان می‌دهد که میزان و سطح امید در شهروندان اهوازی پایین است. این در حالی است که یکی از زمینه‌های اصلی و مهم در به وجود آمدن احساس شادی و نشاط، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده است و وجود امید خود شکل خاصی از شادی و نشاط است. بنابراین سطح پایین احساس امیدواری در شهروندان اهوازی، نشان دهنده وضعیت نامناسب سطح نشاط آن‌ها است؛ چرا که وجود میزان بالایی از احساس ناامیدی در بین شهروندان نقطه مقابل نشاط آن‌ها است. این امر نشان می‌دهد که نوعی افسردگی عمومی در بین شهروندان اهوازی در حال شکل‌گیری است که ادامه این وضعیت برای روحیه شهروندان اهوازی خطرناک است و مسائل روانی، اجتماعی و محیطی مختلفی را در پی خواهد داشت؛ چراکه نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد که یکی از ویژگی‌های مهم افراد افسرده این است که آن‌ها دچار ناامیدی زیادی هستند؛ مخصوصاً در افسردگی‌هایی که ناامیدی بارزتر از همه چیز می‌باشد، علائمی به وجود می‌آید که از جمله آن‌ها می‌توان از غمگینی، خودکشی، انرژی کم، بی‌تفاوتی و کندی حرکت را نام برد.



شکل ۳. میزان اثرگذاری مؤلفه‌های ششگانه در نشاط شهروندان اهواز

تفاوت میان دو گروه زنان و مردان شهر اهواز از نظر سطح نشاط از جمله مباحث مورد تاکید در این پژوهش است. برای آزمون نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که با توجه معناداری به دست آمده بالاتر از ۰/۰۵، داده‌ها دارای توزیع نرمال بوده است بنابراین از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای مقایسه دو گروه زنان و مردان از نظر سطح نشاط، از آزمون t مستقل استفاده شده است، چرا که هدف مقایسه دو گروه مستقل با نمونه‌های نابرابر (تعداد زنان ۱۹۰ نفر و تعداد مردان ۱۹۵ نفر) می‌باشد. بر اساس

نتایج به دست آمده در جدول (۴) و با توجه به نتایج آزمون لوین^۱ مشخص است که سطح معنی داری به دست آمده برای سطح نشاط در دو گروه زنان و مردان بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین مردان و زنان از نظر سطح نشاط دارای تفاوت میانگین معناداری نیستند و واریانس گروه‌های مستقل مردان و زنان از نظر سطح نشاط با هم برابر هستند (با ضریب اطمینان ۹۵ درصد).

جدول ۴. نتایج آزمون t مستقل برای گروه‌های زنان و مردان از نظر سطح نشاط در شهر اهواز

تست تساوی میانگین‌ها				تست تساوی واریانس‌ها (تست لوین)			فروض
خطای استاندارد تفاوت میانگین‌ها	میانگین تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره t	سطح معنی داری	مقدار آماره F	
۲/۷۲۸	۶/۷۵۵	۰/۰۱۴	۳۸۳	۲/۴۷۶	۰/۳۱۷	۱/۰۰۵	تساوی واریانس‌ها
۲/۷۳۲	۶/۷۵۵	۰/۰۱۴	۳۷۶/۵۳۱	۲/۴۷۳	-	-	عدم تساوی واریانس‌ها

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

علی‌رغم اینکه نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان داده است که سطح نشاط مردان از زنان بیشتر بوده است و زنان از نوسانات احساسی بیشتری مانند اضطراب و افسردگی برخوردار هستند اما نتایج این پژوهش نشان داد که بین سطح نشاط زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که تفاوت سطح نشاط در گروه زنان و مردان به دلیل تفاوت‌های فردی و شخصیتی مختص هر کدام از دو گروه نیست بلکه که شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز بر سطح نشاط مردان و زنان اثر گذاشته است و میزان اثرگذاری آن برای هر دو گروه زنان و مردان یکسان است. در واقع شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز نشان می‌دهد که نبود یا کمبود بسترها و زمینه‌های لازم برای ابراز شادمانی و نشاط به شکل جمعی و عمومی است. به عبارت دیگر شرایط به گونه‌ای است که سطح نشاط عمومی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده است و احساس ناامیدی را به شکل عمومی گسترش داده است.

در این بخش نیز تفاوت میان رده‌های سنی مختلف در شهر اهواز از نظر سطح نشاط مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا شهروندان شهر اهواز از نظر سن و بر اساس دوره‌های عمر به چند گروه شامل شهروندان زیر ۱۸ سال^۲ به عنوان گروه نوجوانان، شهروندان ۱۸-۲۵ ساله به عنوان گروه جوانان، شهروندان ۲۶-۴۵ ساله به

1. Levenes Test

۲. لازم به توضیح است که با توجه به این که در این پژوهش جامعه آماری در شهر اهواز، شهروندان بالای ۱۵ سال در نظر گرفته شده است بنابراین گروه سنی نوجوانان در این پژوهش شامل شهروندان ۱۵ تا ۱۸ ساله است.

عنوان گروه میانسالان، شهروندان ۶۵-۶۶ ساله به عنوان گروه بزرگسالان و شهروندان بالای ۶۵ سال به عنوان گروه کهنسالان تقسیم بندی شده است. به منظور بررسی تفاوت سطح نشاط میان رده‌های سنی مختلف در شهر اهواز از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون شفه استفاده شده است. زمانی که محقق بخواهد به بررسی تفاوت میانگین‌های بیش از دو جامعه یا بیش از دو گروه و یا بیش از چند شاخص استفاده کند، استفاده از روش تحلیل واریانس مناسب می‌باشد. در ارزیابی تحلیل واریانس، میزان معنی‌داری معیار قرار می‌گیرد. اگر میزان آن کوچکتر از ۰/۰۵ و بزرگتر از ۰/۰۱ باشد، می‌توان قضاوت کرد که بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت در سطح ۰/۰۵ می‌باشد. در صورتی که عدد به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۱ باشد، می‌توان ادعا کرد که این تفاوت در سطح ۰/۰۱ معنادار است (جدول ۵). پس از پی بردن به سطح معناداری میانگین‌ها، محقق باید مقایسه‌های دیگری را نیز در بین گروه‌ها، مناطق و یا شاخص‌ها انجام دهد که در این جا با توجه نامساوی بودن تعداد نمونه‌ها در رده‌های سنی مختلف، از آزمون مقایسه‌ی چندگانه شفه استفاده شده است.

جدول ۵. تحلیل واریانس تفاوت سطح نشاط در بین گروه‌های سنی در شهر اهواز

متغیر	-	جمع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی‌داری
نشاط	درون گروهی	۲۵۴۵۲/۰۴۳	۴	۶۳۶۳/۰۱۱	۹/۵۴۵	۰/۰۰۰
	بین گروهی	۲۵۳۳۲۷/۳۱۸	۳۸۰	۶۶۶/۶۵۱		
	کل	۲۷۸۷۷۹/۳۶۱	۳۸۴	-		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس مقایسه تطبیقی گروه‌های سنی بر اساس آزمون شفه همان گونه که در جدول (۶) نیز نشان داده شده است، در بین گروه‌های سنی به لحاظ سطح نشاط، ۳ طبقه را می‌توان شناسایی نمود. از نظر سطح نشاط گروه‌های سنی میانسالان و جوانان به ترتیب با امتیاز ۶۱/۰۰۰ و ۶۱/۱۴۲ در طبقه اول، گروه سنی کهنسالان و نوجوانان به ترتیب با امتیاز ۶۳/۴۱۵ و ۷۱/۹۴۰ در طبقه دوم و گروه سنی بزرگسالان با امتیاز ۸۳/۴۲۶ در طبقه سوم قرار گرفته است. این امر نشان دهنده تفاوت در بین گروه‌های سنی از لحاظ سطح نشاط آن‌ها می‌باشد به طوری که گروه سنی میانسالان و جوانان سطح نشاط خود را نسبت به گروه‌های دیگر پایین‌تر ابراز کرده‌اند و در این میان سطح نشاط گروه سنی بزرگسالان بیشتر از گروه‌های دیگر بوده است. در این باره باید توضیح داد که عوامل تبیین‌گر شادی و نشاط ممکن است همراه با سن تغییر کنند. در واقع معناسازی از نشاط در دوره‌های مختلف زندگی تغییراتی را تجربه کرده است و در گروه‌های سنی مختلف تلقی متفاوتی از آن داشته‌اند. در حالی که جوانان بیشتر احتمال دارد نشاط را به هیجان مرتبط بدانند اما با افزایش سن بیشتر احتمال دارد که افراد نشاط را به داشتن احساس آرامش مربوط سازند.

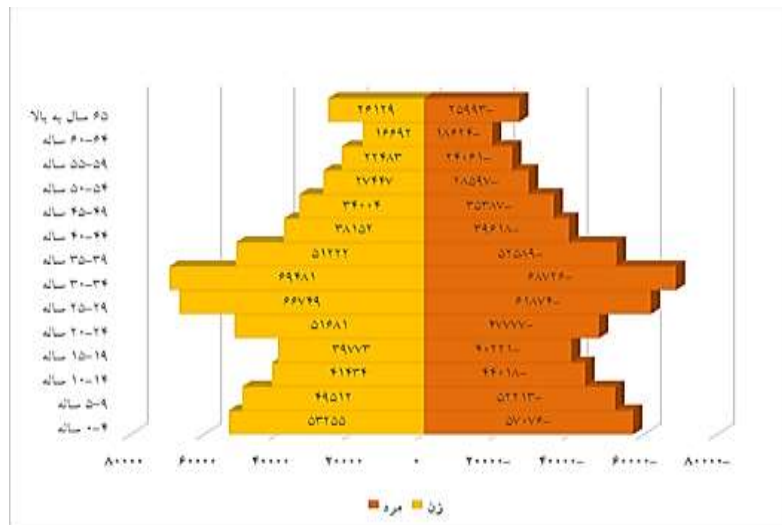
جدول ۶. طبقه‌بندی گروه‌های سنی در شهر اهواز بر اساس سطح نشاط

معنی‌داری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			تعداد نمونه	گروه	رده سنی
۳	۲	۱			
		۶۱/۰۰۰	۲۰۰	میانسالان	۲۶-۴۵ سال
		۶۱/۱۴۲	۱۴	جوانان	۱۸-۲۵ سال
	۶۳/۴۱۵		۷۵	کهنسالان	۶۵ سال و بالاتر
	۷۱/۹۴۰		۱۲	نوجوانان	زیر ۱۸ سال
۸۳/۴۲۶			۸۴	بزرگسالان	۴۶-۶۵ سال
۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۳	-		معنی‌داری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

دوران جوانی دوران بسیار حساس، مهم و اساسی است که در آن جوانان دارای هیجانات، احساس‌ها و عواطف گوناگون هستند. پایین بودن سطح نشاط در میان گروه جوانان و میانسالان ممکن است در ارتباط با عوامل مختلف و شرایط جامعه و شهر اهواز، باشد. عواملی مانند فراهم نبودن زمینه‌های ابراز خود و تخلیه هیجانات (کمبود فضاها و فرصت‌ها برای شادی کردن)، شرایط نامساعد و بی‌توجهی ساختارهای کلان به نیازهایشان و مهیا نساختن موجبات تأمین آن‌ها (همانند اشتغال، ازدواج و امکانات فراغتی و تفریحی)، ناامیدی نسبت به آینده و مبهم بودن آینده حتی در نزد جوانان تحصیل‌کرده، مسائل اقتصادی از جمله بیکاری، وابستگی بیشتر جوانان به ابزارها و استفاده از وسایل تکنولوژیک و ارتباطی جدید مانند اینترنت، موبایل، ماشین، روی آوردن به شادی‌های کاذب، حس بی‌معنایی در زندگی و غیره همگی می‌تواند موجب عدم دستیابی جوانان به ایده‌ها و آمل و آرزوهای خود شده و باعث افسردگی و ناامیدی در بین جوانان این شهر شود.

نگاهی به هرم سنی شهر اهواز (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که بیشترین تراکم و درصد جمعیت در رده سنی ۳۰-۳۴ سال و پس از آن در رده سنی ۲۵ تا ۲۹ سال قرار دارد (شکل ۴). همان‌طور که در جدول (۶) نیز مشخص شد در بین گروه‌های سنی پایین‌ترین سطح نشاط در این محدوده سنی قرار داشته است که این امر نشان دهنده سطح پایین نشاط در گروه بزرگی از جمعیت و شهروندان شهر اهواز است. پایین بودن سطح نشاط در زندگی جوانان و میانسالان می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی متعددی در آنان از جمله ناامیدی، افسردگی و غیره بینجامد. بنابراین توجه به سطح نشاط جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



شکل ۴. هرم سنی جمعیت ۱۳۹۵ شهر اهواز

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

در این بخش به بررسی و تحلیل اختلاف سطح نشاط شهروندان در بین محلات مورد مطالعه با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون شفه پرداخته شده است. همان طور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری برابر با صفر به دست آمده است. بنابراین معنادار بودن آن را در سطح ۹۹٪ تأیید می‌کند. به این معنا که شهروندان در محلات مورد مطالعه از نظر سطح نشاط متفاوت هستند.

جدول ۷. تحلیل واریانس تفاوت سطح نشاط در بین محلات مورد مطالعه در شهر اهواز

متغیر	-	جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
نشاط	درون گروهی	۲۰۰۵۷۹/۷۸۸	۵	۴۰۱۱۵/۹۵۸	۱۹۴/۴۲۵	۰/۰۰۰
	بین گروهی	۷۸۱۹۹/۵۷۳	۳۷۹	۲۰۶/۳۳۱		
	کل	۲۷۸۱۷۹/۳۶۱	۳۸۴	-		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر اساس مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه (جدول ۸)، به لحاظ سطح نشاط، ۴ طبقه را می‌توان شناسایی نمود. از نظر سطح نشاط محله کوی علوی با امتیاز ۴۳/۰۰۰ در طبقه اول، محله منبع آب با امتیاز ۵۶/۹۷۱ در طبقه دوم، محله عامری با امتیاز ۷۲/۸۰۰ در طبقه سوم و محلات گیت بوستان، کیانپارس و شهرک نفت در طبقه ۴ قرار گرفته است. این امر نشان دهنده تفاوت در بین محلات مورد مطالعه از لحاظ سطح نشاط آن‌ها می‌باشد، به ویژه در محله‌های کوی علوی و منبع آب (به عنوان محله‌های حاشیه‌نشین و محروم به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری) که سطح نشاط خود را نسبت به محله‌های دیگر پایین‌تر ابراز کرده‌اند و در این میان سطح نشاط محله‌های شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان بیشتر از سه محله دیگر بوده است.

جدول ۸. طبقه‌بندی محلات مورد مطالعه در شهر اهواز بر اساس سطح نشاط

معنی‌داری طبقات در سطح آلفاه ۰/۰۵				تعداد نمونه	محل
۴	۳	۲	۱		
-	-	-	۴۳/۰۰۰	۱۲۵	کوی علوی
-	-	۵۶/۹۷۱	-	۷۰	منبع آب
-	۷۲/۸۰۰	-	-	۲۵	عامری
۹۲/۹۰۰	-	-	-	۲۰	گیت بوستان
۹۳/۸۸۷	-	-	-	۱۱۵	کیانپارس
۹۶/۷۰۰	-	-	-	۳۰	شهرک نفت
۰/۹۲۸	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	-	معنی‌داری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

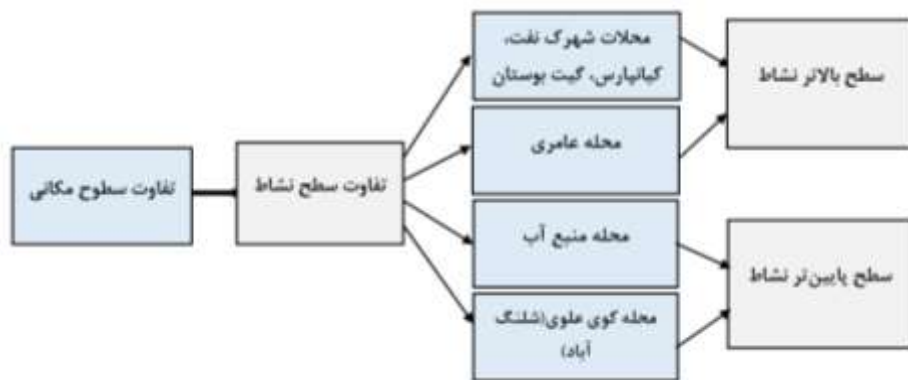
در شکل شماره (۵) رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه بر اساس سطح نشاط شهروندان، نشان داده شده است. در واقع این رتبه‌بندی بر اساس سطوح مکانی از غنی به فقیر است. از آنجایی که حدود ۴۰ درصد وسعت شهر اهواز را محله‌های حاشیه نشین و اسکان غیررسمی (محله‌های فقیرنشین) تشکیل می‌دهد، این امر نشان می‌دهد که با حجم زیادی از جمعیت (بخش گسترده‌ای از شهر اهواز) با شرایط نامناسب سطح نشاط در برنامه‌ریزی محله‌ها و شهر اهواز مواجه هستیم.



شکل ۵. رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه بر اساس سطح نشاط

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

به طور کلی یافته‌های این بخش نقش مکان و تفاوت‌های مکانی در تفاوت سطح نشاط شهروندان را تایید می‌کند. بنابراین می‌توان نقش سطوح متفاوت مکانی را در تفاوت در سطح نشاط شهروندان را پذیرفت و چنین بیان داشت که سطح نشاط شهروندان از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر تغییر پیدا می‌کند (شکل ۶).



شکل ۶. نقش سطوح مکانی در تفاوت سطح نشاط

۴. بحث

در خصوص پایین بودن سطح نشاط و گسترش ناامیدی و افسردگی عمومی در بین شهروندان شهر اهواز می‌توان گفت که عوامل محیطی (محیط طبیعی و انسانی) و مکانی - کالبدی مختلفی در ارتباط و اثرگذاری در سطح خوب‌زیستی عینی و ذهنی و نشاط شهروندان اهواز وجود دارد که این شرایط محیطی و مکانی محل نشاط عمومی پایدار در سطح شهر اهواز است.

از جمله چالش‌های محیط طبیعی شهر اهواز در وضعیت نشاط شهروندان اثر گذار است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ویژگی‌های اقلیمی شهر اهواز مانند رطوبت، دامنه گرمایی ۴۹ درجه و بالاتر، نشان‌دهنده شرایط سخت آب و هوایی این شهر برای سکونت است که در مجموع شرایط نامساعدی را برای حضور، فعالیت و لذت بردن شهروندان از فضای شهری را به وجود آورده است. آلودگی هوا و آلودگی‌های محیط‌زیستی در این شهر رنج‌هایی را برای شهروندان به همراه داشته است و بر روحیات و احساسات منفی شهروندان از جمله احساس نارضایتی آنان اثرگذار است. به طوری که پایین بودن کیفیت آب آشامیدنی و وجود زباله و دفع فاضلاب در این شهر به خصوص در زمانی بارندگی همیشه یکی از مشکلات اصلی بوده است. همچنین بحران سیل و ویرانی‌های ناشی از آن علاوه بر خسارت‌های مالی و آسیب‌های جسمانی باعث شکل‌گیری احساسات منفی مانند اضطراب، ترس، خشم، ناامیدی، غم و

اندوه و غیره در شهروندان این شهر می‌شود. بدیهی است که با وجود این گونه ریسک‌های محیطی، سلامتی، حس ناامنی محیطی و در نتیجه نشاط پایدار عمومی در شهر اهواز کاهش خواهد یافت.

این شهر همچنین با چالش‌های محیط انسانی (اجتماعی و اقتصادی) روبروست از جمله اینکه نسبت بیکاری در شهر اهواز ۱۳/۶۸ درصد است که با توجه به میانگین رسمی کل کشور در سال ۱۳۹۵، با نسبت ۱۲/۷۵، شرایط عمومی نابسامان شهر اهواز از این لحاظ به خصوص برای گروه جوانان کاملاً مشخص است. وجود بیکاری در بین جوانان در بروز احساسات منفی آنان از جمله ناامیدی، افسردگی و غیره اثرگذار خواهد بود. این نابسامانی در درون حوزه‌ها و محلات مختلف شهر وضعیت گسترده‌تری دارد. بدین معنی که این شاخص در بین محلات مختلف شهر اهواز متغیر است. تفاوت سطح درآمد نقش مؤثری در تقسیمات کالبدی و فضایی شهر اهواز ایفا کرده و به صورت تفاوت‌های طبقاتی در درآمد و شغل، در فضا تجلی یافته است. محلات کارگرنشین با محلات کارمندان و متخصصان رده بالای سازمانی که با تفاوت از نظر درآمد همراه است، شرایط را برای قشریندی اجتماعی فراهم ساخته و موجب بروز نابرابری اجتماعی شده است. از حیث کیفیت و نابرابری در سطح درآمد، بیشترین سطح فقر را اقبال کم درآمد و عمدتاً محله‌های حاشیه نشین تحمل کرده‌اند که با توجه به گستردگی آن‌ها در سطح شهر اهواز نشان می‌دهد که تعداد کثیری از شهروندان اهواز بدون دسترسی به شغل مناسب و درآمد کافی مجبور به زندگی در وضعیت نامناسب هستند. با وجود این میزان شکاف درآمدی به شکل محسوسی بر میزان فقر نسبی در شهر اهواز افزوده شده است. چالش دیگر محیط انسانی شهر اهواز نابرابری در شاخص‌های کیفیت زندگی شهری و اثر آن در وضعیت نشاط شهروندان است. همچنین میزان بالایی از نرخ جرم (مردان و زنان) و همچنین بافت ناهمگن جمعیتی و وجود قومیت‌های متعدد، بروز چالش‌های قومی و وجود احساس ترس و ناامنی به عنوان عاملی برای حضور کمتر شهروندان (به خصوص گروه زنان) در فضای شهری و لذت بردن از فضاهای شهری می‌شود. از جمله بحران‌ها و مخاطره‌های انسانی که شهر اهواز آن را تجربه کرده است و شهروندان اهواز راجع به آن اطلاعات و خاطرات روشنی دارند، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران است که از دو جنبه اثرات بر سطح توسعه این شهر و اثرات روانی و ذهنی بر شهروندان بسیار اهمیت دارد.

از جمله چالش‌های محیط کالبدی - مکانی (تفاوت‌های مکانی-فضایی) شهر اهواز که در وضعیت نشاط شهروندان اثرگذار است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شهر کنونی اهواز با افزایش جمعیت و به دلیل عدم توزیع متناسب آن در ارتباط با توسعه و رشد کالبدی، به صورتی پراکنده و پیدایش محلات برنامه‌ریزی نشده و سیمایی افسرده چون محلات منبع آب، کوی علوی (شلنگ آباد) و پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدمات شهری و نابرابری فضایی از جمله نابرابری فضاهای مکانی - کالبدی و فضاهای نشاط‌آفرین در مناطق مختلف جغرافیایی شهر اهواز (نمونه در محله‌های مورد مطالعه) را در پی داشت. در مجموع تمامی زمینه‌ها، بسترها و شرایط محیطی (طبیعی و انسانی) و مکانی - کالبدی که بیشتر به آن‌ها اشاره شد، به

طور مستقیم و غیرمستقیم بر شاخص‌های کیفیت زندگی، احساس خوب زیستن و کاهش سطح شادزیستی شهروندان شهر اهواز تأثیر می‌گذارند.

نتایج این پژوهش مبنی بر پایین بودن سطح امیدواری و نشاط شهروندان اهواز همسو با نظریه‌ی امید در ارتباط با سطح نشاط شهروندان است. براساس این دیدگاه نقش احساس امید در نشاط شهروندان اهوازی مورد تأیید قرار می‌گیرد چرا که سطح نشاط شهروندان اهوازی پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب بوده است. به طوری که میان دو گروه زنان و مردان شهر اهواز از نظر سطح نشاط تفاوت معناداری وجود نداشته است. نتایج این بخش از پژوهش با همسو با دیدگاه داینر و همکاران (۱۹۹۹) است که معتقدند میزان شادمانی و نشاط زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این صورت که با وجود نشاط یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. مهم‌ترین تفاوت احساسی بین زن و مرد این است که زنان تغییرپذیری بیشتری دارند؛ یعنی هم عاطفه مثبت و هم عاطفه منفی بیشتری دارند. زنان ۵۰ درصد بیشتر از اضطراب و روان‌رنجوری رنج می‌برند و هیجان منفی بیشتری در زندگی روزمره دارند و دو برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند.

۵. نتیجه‌گیری

شهروندان اهوازی میزان و سطح نشاط خود نسبت به همه مؤلفه‌های نشاط را پایین‌تر از حد میانگین و حد مطلوب ارزیابی کرده‌اند. میزان و سطح امید در شهروندان اهوازی پایین است و نوعی افسردگی عمومی در بین شهروندان اهوازی در حال شکل‌گیری است که ادامه این وضعیت برای روحیه شهروندان اهوازی خطرناک است و مسائل روانی، اجتماعی و محیطی مختلفی را در پی خواهد داشت. علی‌رغم وجود تفاوت در برخی ویژگی‌های بین گروه زنان و مردان، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سطح نشاط هر دو گروه زنان و مردان به طور یکسان از شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز اثر پذیرفته است. در واقع شرایط عمومی جامعه و شهر اهواز نشان می‌دهد که نبود یا کمبود بسترها و زمینه‌های لازم برای ابراز شادمانی و نشاط به شکل جمعی و عمومی است و احساس ناامیدی را به شکل عمومی گسترش داده است. مقایسه تطبیقی گروه‌های سنی براساس سطح نشاط تفاوت معنادار بین گروه‌های سنی شهر اهواز از لحاظ سطح نشاط را تأیید می‌کند؛ پایین بودن سطح نشاط در میان گروه جوانان و میانسالان ممکن است در ارتباط با عوامل مختلف و شرایط جامعه و شهر اهواز از جمله فراهم نبودن زمینه‌های ابراز خود و تخلیه هیجانات (کمبود فضاها و فرصت‌ها برای شادی کردن)، شرایط نامساعد و بی‌توجهی ساختارهای کلان به نیازهایشان و مهیا نساختن موجبات تأمین آن‌ها (همانند اشتغال، ازدواج و امکانات فراغتی و تفریحی)، ناامیدی نسبت به آینده و مبهم بودن آینده حتی در نزد جوانان تحصیلکرده، مسائل اقتصادی از جمله بیکاری، وابستگی بیشتر جوانان به ابزارها و استفاده از وسایل تکنولوژیک و ارتباطی جدید مانند اینترنت، موبایل، ماشین، روی آوردن به شادی‌های کاذب، حس بی‌معنایی در زندگی و غیره همگی می‌تواند موجب عدم دستیابی جوانان به ایده‌ها و آمال و آرزوهای

خود شده و باعث افسردگی و ناامیدی در بین جوانان این شهر شود. تفاوت سطوح مکانی در تفاوت سطح نشاط شهروندان نقش دارد و سطح نشاط شهروندان از مکان‌ها و محله‌های با سطوح بالاتر به سمت مکان‌ها و محله‌های سطوح پایین‌تر تغییر پیدا می‌کند و سیر نزولی دارد. مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه، تفاوت معنادار بین محله‌های منتخب شهر اهواز از لحاظ سطح نشاط را تأیید می‌کند. در محله‌هایی که سطح زندگی پایین است همانند محله‌های کوی علوی و منبع آب که جز محله‌های حاشیه‌نشین و محروم به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات شهری هستند، سطح نشاط پایین‌تر از محلات با سطح زندگی متوسط و بالا است به طوری که سطح نشاط محله‌های شهرک نفت، کیانپارس و گیت بوستان بیشتر از سه محله دیگر بوده است. رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه براساس سطح نشاط از سطح بالا به سطح پایین‌تر براساس سطوح مکانی از غنی به فقیر است و از آنجایی که حدود ۴۰ درصد وسعت شهر اهواز را محله‌های حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی (محله‌های فقیرنشین) تشکیل می‌دهد، این امر نشان می‌دهد که با حجم زیادی از جمعیت (بخش گسترده‌ای از شهر اهواز) با شرایط نامناسب سطح نشاط در برنامه‌ریزی محله‌ها و شهر اهواز مواجه هستیم. یافته‌های این بخش از پژوهش همسو با دیدگاه احساس محرومیت نسبی و سطح نشاط شهروندان می‌باشد. چراکه وضعیت نابرابر حاکم بر شهر اهواز می‌تواند به احساس محرومیت نسبی در شهروندان محله‌های شهری فقیرنشین بینجامد و وقتی شهروندان احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند، واکنش‌های شدید عاطفی منفی از خود بروز می‌دهند. همچنین نتایج پژوهش همسو با دیدگاه روانشناسی محیطی و دیدگاه جغرافیای رفتاری است چرا که بر اساس این دیدگاه‌ها احساس و ادراک شهروندان از محیط و مکانی که شهروندان در آن قرار دارند، اثر می‌پذیرد و نتایج این پژوهش نیز نشان داد که سطوح متفاوت مکانی در تفاوت در سطح نشاط شهروندان اثر داشته است. بر اساس نتایج پیشنهادهایی ارائه شده است:

- برنامه ریزی عدالت محور و کاهش نابرابری‌ها و تفاوت‌های مکانی در سطوح مختلف شهر اهواز و ارائه خدمات و زیرساخت‌های اساسی در ارتقاء و بهبود شاخص‌های خوب زیستی و کیفیت زندگی و ارتقای سطح نشاط شهروندان محله‌های محروم و فقیر نشین بسیار اثرگذار است.
- افزایش و گسترش فعالیت‌های نشاط‌آور که خاستگاه‌های فرهنگی و هویتی دارند از جمله برگزاری مراسم‌ها و جشن‌های عمومی که با هویت آفرینی برای شهروندان همراه است و اثرات روحیه بخشی دارد.
- برگزاری کنسرت‌های موسیقی در فضاهای باز در سطح شهر و در داخل محله‌ها، جشنواره محله‌ای پخت غذاهای سنتی، جشنواره لباس‌های محلی و طراحی و دوخت انواع پوشاک، صنایع دستی و فروش آن برای افزایش تعاملات اجتماعی و احساس نشاط در بین آنان در فرهنگ سراها و خانه‌های فرهنگ و غیره.
- با توجه به اینکه سطح نشاط در هر دو گروه زنان و مردان یکسان بوده است و هر دو گروه از سطح نشاط مناسبی برخوردار نمی‌باشند، انجام فعالیت‌ها و اقدامات در جهت ارتقای نشاط باید همزمان برای هر گروه صورت گیرد و تبعیض‌های جنسیتی در این زمینه رفع گردد.

- زمینه‌سازی برای پاسخگویی به نیازهای جوانان از جمله حل مشکلات اقتصادی و افزایش فرصت‌های شغلی، گسترش و طراحی برنامه‌های متنوع و غنی و پر کردن مناسب اوقات فراغت جوانان، جلب مشارکت جوانان در فعالیت‌های اجتماعی و فراهم آوردن زمینه حضور مؤثر جوانان در بستر مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد می‌گردد.
- رفع محرومیت‌ها و ارائه خدمات اساسی به مناطق و محله‌های محروم می‌تواند در ارتقا سطح نشاط جمعیت بزرگی از شهر اهواز اثر داشته باشد.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، ع. (۱۳۹۵). رویکرد ادراکی به محیط در جغرافیای رفتاری. فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، ۳۱(۱)، ۴-۵۰.
۲. افشانی، س. ع. (۱۳۹۴). بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن. مجله تحلیل اجتماعی، ۶۹(۴)، ۱-۲۷.
۳. بهروز، ف. (۱۳۷۰). بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۶(۱)، ۳۱-۷۰.
۴. پوراحمد، ا. (۱۳۹۲). قلمرو و فلسفه جغرافیا. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. رحیمی، م.، و رستمی، ل. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه نشاط اجتماعی و میزان امید به زندگی در بین شهروندان شهر کیوی در سال ۱۳۹۶. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۱(۳۸)، ۲۵۹-۲۸۴.
۶. رضادوست، ک.، فاضلی، ع.، و مقتدایی، ف. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان نشاط در استان خوزستان. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۸(۴)، ۲۹-۴۶.
۷. شکوئی، ح. (۱۳۹۱). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. چاپ پانزدهم، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
۸. فاضلیان، پ. و عظیمی، ص. (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه معلمان در مورد چگونگی شاداب‌سازی مدارس با توجه به استانداردهای کالبدی طراحی فضاهای آموزشی. نشریه پژوهش‌های تربیتی، ۲۹(۲)، ۶۱-۴۱.
۹. قرائی، ح.، میرخاقانی، آ.، و روانشادینیا، س. (۱۳۹۵). فرآیند طراحی معماری با رویکرد نشاط اجتماعی در شهر. اسلامشهر: همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران معماری و شهرسازی و مدیریت فرهنگی شهرها، انجمن افق نوین علم و فناوری.
۱۰. کیا، ع. ا.، و امیری، ر. (۱۳۹۲). بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر اهواز. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵(۳)، ۱۷۷-۱۳۸.
۱۱. کیانی، ا.، و نصیری، ا. (۱۳۹۲). فضاهای عمومی شهر و نقش آن‌ها در سلامت روحی و روانی شهروندان از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. همدان: اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه.
۱۲. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵. تهران: مرکز آمار ایران.

۱۳. مشکینی، ا.، ملکی، ر.، و معماری، ا. (۱۳۹۸). واکاوی زیست‌پذیری شهری با استفاده از مدل ELECTRE (مورد مطالعه: نواحی شهر گرگان). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۷(۱)، ۲۴۸-۲۲۳.
۱۴. معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اهواز. (۱۳۹۶). *گزیده اطلاعات مناطق، نواحی و محلات شهر اهواز*. ویرایش سوم، اهواز: انتشارات روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز.
۱۵. مونتگمری، ج. (۱۳۹۶). شهر شاد. ترجمه حسین حاتمی‌نژاد، رضا سلیمان‌زاده، باقر فتوحی مهربانی: انتشارات آراده.
۱۶. ناییبی، ه. و حاج هاشمی، م. ا. (۱۳۹۲). پیامدهای آسیب‌شناختی دوری محل کار از خانه بر فرد. *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، ۴۲(۲)، ۲۶۴-۲۴۹.
۱۷. نبوی، ع.، رضادوست، ک.، و صالحی، ن. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و روانی بر احساس نشاط مورد مطالعه: دانش‌آموزان ساله شهر اهواز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۳)، ۲۲-۱.
۱۸. نظریان، ا. (۱۳۸۰). شهرهای آینده، کانون فاجعه انسانی یا بستر تعادل فرهنگی. *فضای جغرافیایی* (۳)، ۲۲-۱.

19. Ballas, D. Dorling, D. (2013). The Geography of Happiness, in David, estimation in Britain and Japan. *Studies in Regional Science*, 42(2), 163-187.
20. Bernburg, J.G., Thorlindsson, T. S., & Inga D. (2009). Relative Deprivation and Adolescent Outcomes in Iceland: A Multilevel Test. *Social Forces*, 87(3).3, 1223-1250.
21. Bernini, C., & Tampieri, A. (2017). *Urbanization and its Effects on the Happiness Domains, CREA Discussion Paper Series 17-10*. Luxembourg: Center for Research in Economic Analysis, University of Luxembourg.
22. Brul el, G., & Veenhoven, R. (2015). Geography of Happiness Configurations of affective and cognitive appraisal of life across nations. *International Journal of Happiness and Development*, 2(2)2, 101-117.
23. Hall, J., & Helliwell, J. F. (2014). Happiness and Human Development.' *UNDP, Human Development Reports Occasional Paper*.
24. Helliwell, J., Layard, R., & Sachs, J. (2018). World Happiness Report 2018, New York: Sustainable Development Solutions Network.
25. Lourdes, R., Extremera, N., & Duran, A. (2012). Core self-evaluations, meta-mood experience, and happiness: Tests of direct and moderating effects. *Personality and individual difference*, 53(4), 207-212.
26. Meyers, D. (2010). The friends, funds and faith of happy people. *American psychology*, 55(1), 56-67.
27. Mitchell, L., Frank, M. R., Harris, K. D., Dodds, P. S., Danforth, C. M. (2013). The Geography of Happiness: Connecting Twitter Sentiment and Expression, Demographics, and Objective Characteristics of Place. *PLOS ONE*, 8(5), 1-15.
28. Okulicz-Kozaryn, A., & Mazelis, J. M. (2016). Urbanism and happiness: A test of Wirth's theory of urban life. *Urban Studies*, 55(2), 1-16.
29. Veenhoveen, R. (2000). the four qualities of life. *Journal of Happiness Studies*, 1(2), 33-46.
30. White, J., Langer, E., Yariv, L., & Welch, J. (2006). Frequent Social Comparisons and Destructive Emotions and Behaviors: The Dark Side of Social Comparisons. *Journal of Adult Development*, 13(1), 36-44.